

Anahita A Research Journal of Persian Language, Literature Art & Culture No. 03, 2016, pp71-84	آناهیتا مجله علمی- پژوهشی زبان، ادبیات، فرهنگ و تمدن فارسی شماره: 03 سالنامه 2016 میلادی، صص 71-84
--	---

Common and Adaptable Features of Persian and Urdu Language

*Maria Umer

Abstract

Two neighbor countries Iran and Pakistan have cultural and historical relations From the ancient ages. In the pages of history of Indo-Pak this fact is cleared to all researchers and historians that Islam flourished in Sub-Continent through Persian language. Persian rulers ruled over Sub –Continent and they promoted Persian language in this land and along with these rulers many saints and muslim scholars came in indo-pak and preached here. Their language was Persian and their teachings were for the man kind and humanity. More over all the soldiers of these rulers were from different races like Turkey , Mangols, Afghanistan, Iran and Central Asia and they spoke different languages which caused to create an other language “Urdu”. With the passage of time this army language “Urdu” became a new and common language of the sub-continent .Actually the 60 to 70 % of words ,Idioms ,phrases and terms of Persian are used in urdu language and both languages are very sweet and simple and easy to learn too. Today also we use many words and terms of Persian in our daily life same is the case with Persian many of the urdu idioms and sayings are used in Persian with a slight difference .Iran Government always tries to promote Persian language in Pakistan .Almost in all the prominent cities of Pakistan cultural centers of Iran are established by the government of Iran and “Utaaq e Iran Shanasi “ are introduced and built for the promotion of Persian language. Simutaniousley Urdu language is being taught in Iran for the better relations of the two neighbor countries.

Key Words: Neighbor countries, Iran and Pakistan, cultural and historical relations, ancient ages. promote Persian language in Pakistan , cultural centers.

مشتراکات و تبادلات زبان فارسی و زبان اردو

* ماریه عمر

چکیده:

روابط فرهنگی و تعلقات تاریخی میان دو ملت برادر ایران و پاکستان از قدیم الایام واز سده های بسیار کهن وجود داشته است. در صفحات تاریخ سرزمین پارس و سرزمین شرقی هند و پاکستان و پس از خیزش اسلام ،این حقیقت بر همه دیرینه شناسان و تاریخ نگاران روشن است که اسلام در شبه قاره بوسیله فارسی زبانان واردشد.

سپس پادشاهان پارسی زبان که برشبه قاره حاکم گردیدند موجب گسترش زبان و ادبیات پارسی در این سرزمین شدند اماچون سپاهیان همین پادشاهان مسلمان افرادی از مناطق مختلف بودند که به زبانهای محلی خود سخن می گفتند در اردوگاههای لشگریان با ممزوج شدن با زبان دیوانی و همه گیر پارسی و اختلاط آن با زبانهای محلی شبه قاره موجب شد تا در دراز مدت زبان و تکلمی جدید پدیدار گردد. با همنشینی این افراد با باشندگان بومی شبه قاره زبان جدیدی به اسم "اردو" بوجود آمد که بعدها این زبان نوپیدایش یافته در سراسر هند و پاکستان گسترده و همه گیر شد و بامرور زمان این زبان جدید در شبه قاره جایگاه پارسی را گرفت و جایگزین آن شد. اما آنچه که حائز اهمیت است مهم آن است که اغلب کلمات زبان اردو از زبان پارسی گرفته شده است هر چند به فراخور مکانی و جغرافیایی نوع بیان و حتی مفهوم کاربردی آن هر چند محدود تغییر یافت و در زبان اردو کاربردی نوین پیدا کرد. زبان پارسی بر ادبیات محلی (هرچند که با رسم الخط پارسی نگارش می گردد و تلفظ می یابد ویا به زبانهای محلی دیگر این منطق بکار میرود چون پنجابی و سندی و سراییکی و بلوچی و پشتو)و بر زبان و ادبیات اردو شدیداً تاثیر گذاشته است. بطور نمونه تواریخ و منظومه های رزمی که تحت بر پیروی از شاهنامه فردوسی نوشته شده یا کتب ارزنده ی دیگری که توسط ادباء و شاعران شبه قاره در تتبع و پیروی کلام مولانا، سعدی یا حافظ به جای گذاشته شد را میتوان از نمونه ها و شاهدان عینی و ملموس این تاثیر گذاری نام برد.

همچنین این نفوذ فارسی در شکل گیری و خلق ضرب المثل های این منطقه هم آشکار است و در محاوره روزمره مردم این خطه برای بیان عمیق تر و موثر تر کلام و منظور خود یا بصورت اصل یعنی به زبان فارسی یا معادل آنرا باز با قرض گرفتن اسامی و ترکیب های پارسی استفاده می کنند.

بعد از استقلال و تاسیس کشور پاکستان، دولت ایران در شهر های بزرگ و مراکز علمی و راینی های فرهنگی را بعنوان پاسداران زبان و ادب پارسی و ترویج آن تاسیس نمود که نه تنها برای گسترش و عمیق تر ساختن روابط برادرانه و دوستانه در میان مردم ایران و پاکستان سعی و کوشش می کنند بلکه برای حفظ زبان فارسی و نفوذ و گسترش زبان فارسی در کنار زبان اردو به آموزش و تحقیق دانشجویان و دانش پژوهان همت گمارده اند. از آنجا که اهالی پاکستان خود را وارث فرهنگ و تمدن و زبان ومیراث ادبی نیاکان و پادشاهان مسلمان شبه قاره می دانند همواره در این تلاش مقدس همراه و همگام بوده اند .

کلیده واژه ها: زبان، اردو، فارسی، ایران، پاکستان

بجز حمد حق حرف شاینده نیست که جز حکم او هیچ پاینده نیست

مر او راست اسباب پایدگی جز او نیست کس باب پایدگی

(عظیم تتوی، 1967: 162)

سرزمین شبه قاره پاکستان و هند، سرزمینی است که در طول تاریخ برای هنرمندان، شاعران و دانشمندان، جاذبه خاصی داشته و از زمانه قدیم برای ایرانیان سرزمینی پناه دهنده و مجالی برای بالندگی و دست یافتن به مقام و منزلت عالی و در شان ادیبان و فضلاو یافتن جاه و حشمت و هنرنمایی و شهرت بوده است. (اعجاز احمد، 2010: الف)

ایرانیان در سده پنجم قبل از میلاد نخستین بار در دوره هخامنشیان (546 ق.م - 320 ق.م) در زمان کوروش کبیر، به شبه قاره ورود کردند و بعد از کوروش کبیر داریوش بزرگ به سال 512 ق.م به هند هجوم آورد و منطقه ای وسیع را که امروز بخش عمده پاکستان را تشکیل می دهد تسخیر نمود. سند و کابل و پیشاور و پنجاب در تسلط داریوش بزرگ بود. سپس اسکندر مقدونی به سال 326 ق.م از ایران به هند حمله کرد و پس از آن حاکمی بنام چاند را گو پتا که با اسکندر مقدونی پیکار کرده بود، به سراسر هند تسلط پیدا کرد و سلسله موریان را در بنانهاد. (فرهنگ ارشاد، 1365: 25)

ارتباط سیاسی و فرهنگی ایرانیان با مردم شبه قاره، سابقه بسیار طولانی دارد. در کتاب "ریگ ودا" از کشور ایران بارها نام برده شده و اشتراکات فراوانی میان این دو قوم هم نژاد وجود دارد، تا جاییکه زبان وداها و زبان او ستا، از ریشه هندو آریائی به وجود آمده اند. (مشایخ فریدنی، 1336: 72)

در زمان ساسانیان روابط فرهنگی بین ایران و شبه قاره هندو پاکستان بار دیگر استوار شد. و در زمان خسرو اول انوشیروان بخش سند و پنجاب زیر تسلط ایرانیان درآمد و به دستور همین پادشاه در قرن ششم میلادی برزویه حکیم کتاب بزرگ و معروف "حکایات بیدپای" یا کلیله دمنه را از شبه قاره هند و پاکستان به ایران برد و به زبان پهلوی ترجمه کرد. (صفا، 1372: 11)

تجارت نیز یکی از عمده ترین پیوستگی های مشترک بین دو کشور به شمار می رود. از عهد قدیم روابط تجاری نه فقط میان ایران و هند برقرار بوده است بلکه روابط تجاری بین هندو اروپا نیز از طریق ایران انجام می شد. به علت رفت و آمد و ارتباطات تنگاتنگ در میان مردم، این دو ملت تاثیر فراوانی بر آیین و رسوم یکدیگر گذاشتند مانند آنکه در نواها و ابزار در موسیقی نشانه های از تاثیر متقابل موسیقی هندی و ایرانی و حتی

یونانی می توان یافت و سبک معماری هند، یادگار عمده ای از هنر ایرانیان قدیم است که در شبه قاره باقی مانده است. (بان، گستاولی، 1962: 227)

درباره این روابط تجاری و فرهنگی، پیر آمیه در "تاریخ عیلام" می نویسد: "این کشور (عیلام) با هند نیز روابط تجاری و فرهنگی داشته و از بعضی از مهرهای استوانه ای و تکه سنگهایی که روی آنها به طریق گود حکاکی شده، از هند به این سرزمین آمده و برعکس در دره های سند، مهر استوانه ای و لوازم آرایشی عیلامی ها مورد تقلید قرار گرفته است. (پیر آمیه، 1349: 2)

آثار تمدن موجود در پاکستان کنونی "ما هنجودارو و ها را پا" که باتمدن مصر و مسوپوتانیا همزمان بوده است، نشان می دهد که در حدود 2500 ق - م ارتباط فرهنگی بین مردم آن ناحیه و ایرانیان وجود داشته. بر پایه ی تشابهی که اشیاء مکشوفه در آن خرابه های باستانی و با آنچه که در ایران کشف شده، میتوان گفت که ارتباط و پیوستگی مردم هند و ایران در عهد عیلامی ها قطعی بوده است. در این عهد شباهت زیادی بین افکار مذهبی ایرانیان و افکار دینی بو میان هند هم وجود داشت. (نقوی، شهریار، شماره 1: 92)

به گفته اصغر علی حکمت در هزاره سوم قبل از میلاد، ساکنین بین النهرین و جنوب ایران و غرب و شمال هندوستان، همه از یک نژاد و دارای یک تمدن و یک فرهنگ بوده اند (حکمت، علی اصغر، 1337: 37) و تپه سیلک (کاشانی فعلی) محل بر تلاقی دو تمدن هندی و ایرانی بوده است. (همو، همان: 36) این رابطه فرهنگی در حدود 1500 ق - م با ورود آریان ها به شبه قاره، محکم تر شد. آریاییهای که به هند رفته اند با آریاییهای ایرانی مانند دو برادر قرنهای در یک ناحیه در کنار یکدیگر زندگی کرده اند. (مشکور، جواد، 1355: 45)

بعد از خیزش و غلبه اسلام و بسط آن به منطقه و سرزمین های ایران و هند، این پیوندهایی قدیمی تحرک و قوت جدیدی یافت، حس اخوت و جذب محبت بلکه وحدت فکر و نظری بحدی رسید که مراسم و عادات و شعر و ادب، زبان و هنر و ایران و شبه قاره اسلامی تحت نفوذ آن قرار گرفت و یک محیط وحدت و یگانگی به وجود آمد، گویی مردم ایران و مسلمانان شبه قاره هند و پاکستان یک روان در دو تن و مصداق این بیت شدند:

من تو شدم تو من شدی من جان شدم تو تن شدی

تا کس نگوید بعد ازین من دیگرم تو دیگری

زبان دلنشین فارسی که تاثیر عمیق و گسترده ای بر جامعه و فرهنگ شبه قاره گذاشت، توسط عارفان، دولتمردان، سیاستمداران، فرهنگیان، ادیبان و شاعران پارسی گوی که در آسیای میانه و ایران و افغانستان فعلی، و مناطق فارسی زبان به دنیا آمده بودند و به شبه قاره مهاجرت کرده بودند، وارد شد. بر همگان واضح و مبرهن است که اردو، زبان بومی این منطقه، از فارسی سر چشمه گرفت و شعرو ادب اردو شدیداً تحت تاثیر ادبیات فارسی قرار گرفته، چنانکه اغلب انواع شعری و ادبی اردو از فارسی منشعب شده است. (اعجاز احمد، 2010، ص: ج)

در قرن سوم و چهارم هجری خلیفه عباسی، المعتمد عنان دولت منطقه سند به دست یعقوب بن لیث (حک: 256-253 ق/879-876 م) سپرد و در همان زمان زبان و ادبیات فارسی در این سر زمین رشد ملموسی یافت و مردم این منطقه با علاقه فراوان زبان فارسی را فرا گرفتند و به قول ابن حوقل: در مکران که بخشی از ایالت سند بود مردم علاوه بر زبان مکرانی به فارسی نیز تکلم می کردند. (سرفراز ظفر، 1386: 353) و این امر دلیل گسترش فراوان زبان فارسی در شبه قاره شد که مردم نه تنها به این زبان حرف می زدند بلکه شاعران در طبع آزمایی و شعر سرایی از شاعران نامدار پارسی گو مانند: فردوسی، مولانا رومی، سعدی و دیگران پیروی می نمودند.

از زمان غزنویان زبان فارسی در شبه قاره هند و پاکستان رائج شد و در این عصر شهر لاهور مرکز بزرگ زبان و ادبیات فارسی گردید. نویسندگان و شعرای برجسته ای چون شیخ ابوالحسن علی الهجویری و مسعود سعد سلمان دران عهد در لاهور اقامت داشتند. امیر خسرو دهلوی بزرگ ترین شاعر فارسی در خارج از محدوده اصلی ایران درین زمان بوده است. (عرش ملیسانی، 1922: 17)

شاعران برجسته ی فارسی چون غزالی مشهدی، عرفی شیرازی، نظیری نیشاپوری، صائب تبریزی، طالب آملی و امثال اینها از سرزمین ایران بدربار مغول هند آمدند و مورد استقبال گرم حاکمان ادب پرور قرار گرفتند. (آفتاب اصغر، 1367: 5)

امیران و وزیران دربار مغول در ترویج و ترقی زبان و ادبیات فارسی سعی بلیغ نمودند. حکیم ابوالفتح گیلانی و عبد الرحیم خانخانان سخن سنج و سخن گوی بودند که در پرورش علم و ادب و سرپرستی شعراء و نویسندگان فارسی سعی بسیار و همتی بلند می نمودند. (فلیحه کاظمی، 2013: 22)

در اواخر دوره حکمرانی سلسله ی مغولان هند، نام اسدالله خان غالب شاعر بزرگ پارسی گوئی چون ستاره تابناکی می درخشد. غالب یک دیوان بزرگ به فارسی سرود و کتب متعددی به نثر فارسی از خود به یادگار گذاشته است. غالب در واقع گوینده چیره دست فارسی بود. خود او نیز به کلام فارسی خویش می بالد و آثار فارسی خود را سر چشمه افتخار و سرمایه سرفرازی و مباهات خود می داند چنانکه گفته است:

فارسی بین تا به بینی نقش های رنگ رنگ

بگذر از مجموعه اردو که بی رنگ من است

(غالب، 1967: 120)

علامه محمد اقبال که بزرگترین شاعر ملی شبه قاره هند و پاکستان شمرده می شود در زمانی ظهور کرد که بازار فارسی و پارسی سرایی میرفت تا افول کامل کند اما اقبال که شیفته شعر و ادبیات فارسی بود پای به عرصه ادبیات گذاشت. وی نه تنها در فن شعر بلکه در فلسفه و افکارش از تفکر بلند و بالنده حکیمان و شعراء و دانشمندان ایرانی بهره بسیار جست چنانکه می فرماید:

پارسی از رفعت اندیشه ام

در خورد با فطرت اندیشه ام

(اقبال، 1972: 12)

بنظر اقبال اگر تهران مرکز سیاسی اقوام مشرق گردد تقدیر جهان و مسلمانان عالم تغیر می شود و بهبود می یابد.

تهران هو گر عالم مشرق کا جینوا

شاید کره ارض کی تقدیر بدل جائے

اقبال با زبان شعر سعی کرد تا مسلمانان شبہ قاره و عالم اسلام را بیدار کند. اقبال آرزو داشت که همه مردم کشور های اسلامی اختلاف زبان و زمین و نژاد را به کنار گزارند و در تحت لوای اسلام متحد و مجتمع شوند. چنانکه می فرماید:

نغمہ کجا و من کجا ساز سخن بهانه ایست

سوی قطار می کشم ناقه بی زمام را

(اقبال، 1972: 52)

زبانهای فارسی و اردو نزدیکترین زبانهای امروزی جهان هستند. شاکله و بنیان زبان اردو از زبانهای آریائی هند است که بخش بومی آن از سانسکریت سرچشمه گرفته ولی چون در محیط فارسی رشد کرده لذا شدیداً تحت تاثیر فارسی قرار گرفته است. ادبیات اردو در زیر بال شعر فارسی پرورش یافته و از مادر خوانده خود هنرنظم و نثر، سبک و مضمون، بحر و فافیه و شکل و قیافه را بارث برده.

(محمد صدیق خان شبلی، 1370: 1)

یکی از نمونه های بارز این سخن، رزمیه سرایی در زبان اردو است که کاملاً برگرفته از رزمیه سرایی و حماسه سرایی در زبان پارسی است و با محوریت تتبع بر گرفته از شاهنامه فردوسی توسی است. فردوسی با "شاهنامه" تاریخ ایران را احیا کرد و موضوع آن حماسه و زنده کردن تاریخ ایران بزرگ است. شاهنامه در تمام عالم چنان معروف گردید که پادشاهان شبہ قاره هند و پاکستان نیز برای حفظ تاریخ خود و سرزمین خود به شعراء و نویسندگان دربار دستور دادند که همچنین شاهنامه فردوسی، شاهنامه ای برای عهد آنها نوشته شود. اگرچه هیچ کس نتوانست از این مسوولیت بزرگی برآید اماحد اقل 149 نفر در شبہ قاره توانستند که به بحر متقارب رزمیه ای را در پیروی از شاهنامه فردوسی بنویسند. (فلیحه کاظمی، 2013: 20)

همچنین تاثیر کلام مولانا و مثنوی وی در کلام شاعران فارسی و اردو زبانان شبہ قاره بسیار دیده می شود. مولانا جلال الدین رومی یکی از تاثیر گذارترین و معروفترین شاعران ایران در شبہ قاره می باشد که اسمش و کلامش

برسر زبان و کلام مردم شبه قاره جاری است و بقول استاد زرین کوب در "سرنی" "در خارج از حوزه یاران قونیه - - - تامدت ها بعد از وفات وی مجال انتشار چندانی نیافت. بدون شک فرصت و مهلتی لازم بود تا خلفای مولانا به نشر مثنوی در خارج از حوزه مجالس یاران وی راضی و مصمم گردند." حتی تا قرن نهم در ایران نیز شاعران و نویسندگان را در نمی یابیم که با آثار مولانا آشنایی داشته باشند اما پس از گسترش سبک ادبی و کلام بی پروای مولانا، بسیاری از ادیبان هند و پاکستان به پیروی از وی مثنوی های مکشهوری سرودند.

در سده های دهم و یازدهم هجری، به دنبال حضور پر شمار شاعران ایرانی در سرزمین شبه قاره، شاعران این سرزمین بامولانا و کلامش آشنا می شوند و پیروی از شیوه سخن مولانا آغاز گردید و صاحبان علم و ادب این منطقه بر مثنوی رومی شرح و تفسیر متعددی نوشتند و سپس در محافل ادبی شبه قاره پیوسته از کلامش سخن می گفتند و شاعران تتبع و پیروی آن می نمودند. افزون بر این شرح و تفسیر های گوناگونی از مثنوی به فارسی و اردو، گزیده ها، اقتباس ها و ترجمه هایی نیز برای مثنوی مولانا و دیوان شمس برجای نهادند. انتشار چنین آثاری به زبان های محلی توسط اهل علم این منطقه بیانگر جایگاه بلند و عظیم مولانا در میان اهالی سرزمین شبه قاره است و در این زمینه شاعران هندو مشرب این منطقه نیز عقب نماندند و آنها هم در این وظیفه علمی مشارکت داشتند مثلاً دیارام/ پندت دیارام کاجر متخلص به خوشدل نویسنده "دفع شبهات از ابیات مثنوی" که در عهد عطا خان حاکم کشمیر (1222ء- 1236ق) در سرینگر کشمیر زندگی می کرد. وی این اثر را به اسم سید کرم علی انتساب نمود و در این وی شبهاتی را که مردم درباره برخی ابیات مثنوی معنوی داشته اند، پاسخ گفته است. نسخه ای دست نویس از این اثر به شماره 2ق - ف 5 در کتابخانه انجمن ترقی اردو کراچی نگه داری می شود.

"مثنوی پیر رومی" از بهوانی داس (سده 11-ق) هم در پیروی مثنوی معنوی می باشد که مشتمل بر حدوداً صد شعری باشد. اگرچه در مورد احوال و زندگی این شاعر اطلاعات چندانی در دست نداریم، فقط همین قدر می دانیم که وی یک مثنوی به اسم "مثنوی پیر رومی" نوشته بود. همچنین شاعری به اسم ولی دهلوی که "مثنوی ولی رام" را بر جای گذاشته است.

حافظ (791/792ق) از دیگر برجسته ترین شاعران ایرانی در زبان فارسی است که شعر و آوازه اش تنها در ایران محدود نمانده و در سرزمین های دیگر نیز شیفتگان و پیروانی بسیار یافته است. هندوستان از نخستین سرزمین هایی است که اشعار حافظ بدان رسید و بر شکل گیری و جهت یابی ادبیات فارسی آن تاثیر گذاشت. با این

که وی در سراسر زندگی خود از ایران پا فراتر ننهاد، اما آوازه اش حتی در همان روزگار حیاتش از مرزها گذشت و به خراسان، آذربایجان، عراقین و هندوستان راه یافت.

نفوذ اشعار حافظ در شبه قاره تنها به تاثیر بر فارسی زبانان آن سرزمین محدود نماند. شمار بسیاری از برگردان های دیوان حافظ به زبان های گوناگون رایج محلی آن دوره، زمینه گسترش تاثیر حافظ بر فرهنگ و ادب شبه قاره را فراهم آورده است. شماری از برگردان های اردوی این دیوان از این قرارند:

- 1- ترجمه ای از هشتاد و نه غزل از دیوان حافظ، به قلم آغا محمد باقر که در 1369/م 1949 ق در لاهور به چاپ رسیده است.
- 2- متن دیوان حافظ بر اساس چاپ قزوینی همراه با ترجمه منثور، مقدمه، حاشیه، شرح واژه ها و اصطلاح های آن، به اردو، از شمس بریلوی که در 1391/م 1971 ق در کراچی به چاپ رسیده است.
- 3- ترجمه ای همراه با شرح ابیات و شرح زندگی حافظ و فالنامه از عبادالله اختر، بامقدمه فارسی محمد ریاض خان که در 1399 ق در اسلام آباد به چاپ رسیده است.
- 4- متن فارسی دیوان همراه با برگردان آن و حاشیه ای بر آن، به قلم ابونعیم عبدالحکیم خان نشتر جالندهری و صادق علی دلاوری که نخستین بار در 1388/م 1968 ق، در لاهور به چاپ رسیده است.
- 5- دیوان حافظ همراه با ترجمه منثور و حاشیه به اردو، از قاضی سجاد حسین دهلوی، دانش آموخته رشته علوم اسلامی و از استادان زبان و ادبیات فارسی در شبه قاره. که در 1382 ق، در دهلی به چاپ رسیده است.
- 6- عرفانیات ترجمه و شرح غزلیات حافظ، همراه بامتن، به قلم مسلم هاشمی که در 1376/م 1956 ق در لاهور به چاپ رسیده است.
- 7- دیوان حافظ با ترجمه و شرح اردو از ملک سراج الدین که در لاهور به چاپ رسیده است.
- 8- انتخاب دیوان حافظ، ترجمه منثور محمد یاسین از گزیده دیوان حافظ که در حیدر آباد سند به چاپ رسیده است.
- 9- ترجمه ای منظوم از مولوی احمد بخش یکدل چشتی.
- 10- ترجمان الغیب که ترجمه ای منظوم در همان بحر و قافیه اشعار حافظ، از محمد احتشام الدین حق دهلوی (- 1365 ق) است و در 1357 ق در حیدر آباد به چاپ رسیده است.
- 11- عرفان حافظ، ترجمه و شرح عرفانی گزیده غزلیات حافظ، تا ردیف، "د" از محمد اشرف علی تهنوی (1362 ق)، که در 1327 ق به پایان رسیده و در 1396 ق در کراچی به چاپ رسیده است.

12- گلبن معرفت، ترجمه و شرحی از محمد اسماعیل خان که در 1322ق در مراد آباد و در 1921م/1360ق در امرتسر به چاپ رسیده است.

13- تحفه دلکش، گزیده غزلیات همراه با ترجمه ای منظوم از غلام حیدر جهرمی (1840-1926م/1256-1345ق)، شاعر شناخته پنجابی و پسر عبدی قیصر شاهی، کی در 1896م/1314ق در گوجرانواله به چاپ رسیده است.

14- آینه معرفت، ترجمه ای منثور از گزیده غزلیات حافظ، به قلم هم او، به اردو و پنجابی که در 1330ق در لاهور به چاپ رسیده است.

15- آینه معرفت ترجمه ای منظوم از چهل و دو غزل حافظ، از هم او، به اردو و پنجابی که چاپ دوم آن در 1331ق انجام گرفته است. (انوشه، حسن، 1375: 930)

از منظر شکل گیری و ریشه ای الفاظ در اردو کاملاً از فارسی سرمایه گرفته است، تقریباً شصت در صد کلماتی که در اردو بکار میرود ریشه در زبان فارسی دارد. اردو از فارسی نه فقط اسماء و صفات را گرفته است بلکه حروف و قیود پیشاوند ها و پساوند ها، امثال و حکم، استعارات و تشبیهات و نیز تمثیلات و تلمیحات فارسی نیز به اردو راه یافته است. (محمد صدیق خان شبلی، 1370: 1)

در باب لغات و ترکیبات فارسی در زبان اردو چند نکته قابل توجه است:

از مطالعه دقیق کیفیت کلمات فارسی در اردو روشن می شود که بیشتر لغات و عبارات فصیح و ادبی اند و لغات و ترکیب های عامیانه و به اصطلاح کوچه بازاری در میان آنها بسیار اندک یافت می شود. زیرا کاربرد فارسی از ابتدا ویژه علماء، فضلا، صوفیان، شعراء و ادباء و درباریان بوده است و این طبقات از ترکیب ها و لغات، ضرب المثل ها و اشعار فارسی در گفتگو های رسمی، خطبه ها و اشعار خویش استفاده می برده اند.

نکته ی دوم اینکه مفهوم بعضی از واژه های فارسی با گذشت زمان یا تغییر کرده و یا جزء فارسی امروز ایران نیست ولی همچنان درون واژگان اردو باقی مانده است و یا اگر در فارسی هم بکار برده می شود از موارد کمیاب و نادر است.

بطور نمونه: آرام گاه یعنی استراحت گاه، نگرانی یعنی نظارت و تلاش کرنا یعنی جستجو کردن و پریشان یعنی نگرانی.

بررسی واژگان زبان اردو نشان می دهد که تاثیر زبان فارسی بر اردو دایره ی گسترده ای داشته و شامل اسامی ، افعال ، حروف ، محاورات ، تشبیهات ، استعاره ها ، ترکیب ها و ضرب المثل ها می شود. بطور نمونه: شادی ، افسردگی ، غم ، خوشی ، دروغ ، دل ، نام و غیره .

اسامی پرندگان مثل: بلبل ، مرغ طاووس ، کبوتر ، مینا و غیره.

اسامی جانوران مثل: شیر ، خر ، خرگوش و غیره.

اسامی درختان مثل : شمشاد ، سرو ، توت ، شاه توت چنار و غیره

اسامی گل ها مثل : لاله ، نرگس ، شب بو ، نسترن ، نیلوفر ، سوسن ، سنبل

اصطلاحات مذهبی: نماز ، روزه ، پیغمبر ، خدا و غیره

علاوه بر این در محاوره محلی ضرب المثل های فارسی را استفاده می کنیم که گاهی خود ضرب المثل بطور مستقیم از فارسی و عینا استفاده می شود بطور نمونه : آفتاب آمد دلیل آفتاب ، حساب دوستان در دل ، دروغ بر گردن ملا ، هم خرما هم ثواب ، عذر گناه بد تر از گناه.

گاهی هم ضرب المثل به اردو ترجمه شده است. همچنین بعضی مواقع ضرب المثل های فارسی عینا به زبان اردو ترجمه شده است بطور نمونه: آستین بالا زدن (آستینین چڑھانا) دست به گریبان شدن (دست و گریبان ہونا) عروس رقص بلد نیست می گوید اتاق کج است (ناچ نجائے آنکھ ٹیڑھا) آبرویش را آب برده (آبرو پر پانی پھرنا). (قلیحہ کاظمی، 2009: 41)

همچنین اهالی شبه قاره خود نیز در پیروی از متکلمین فارسی ضرب المثل های خاصی را به فارسی استفاده می کردند که خاص شبه قاره می باشد و در ایران استفاده نمی شود:

یک نشد دو شد ، آرا باش تیشه نباش ، آب و آتش را چه آشنایی ، ...وارث سرھندی ، (200:

مشتراکات فارسی و اردو بسیار زیاد است و زبان فارسی نه تنها بر اردو بلکه بر دیگر زبانهای پاکستان نیز اثرات عمیق بر جای گذاشته است چنانکه بسیاری از کلمات و لغات پنجابی ریشه در پارسی سره دارد و زبان پشتو که انشعابی از زبان دری است. بعضی از وجوه اشتراکی بین فارسی و اردو در دنیا از همه زبان ها به هم نزدیک تر است و به یقین میتوان گفت که هفتاد در صد از گنجینه زبان اردو یا فارسی است یا بر مبنای فارسی شکل گرفته است.

تمامی انواع ادبی در سرایش شعر از فارسی به اردو به میراث رسیده است هر چند که زبان اردو از لحاظ ساختاری ریشه در یک زبان هند – آریائی دارد ولی این حقیقت را نیز نمی توان انکار کرد که نشوونمای آن از ابتدا زیر سایه فارسی بوده است و فارسی در این زمینه مهم ترین نقش را ایفا کرده است.

بسیار ضروری و سزاوار است تا از نقش رایزنی های فرهنگی ایران در توسعه و تدوین و همیاری های این مراکز فرهنگی و رایزنی های موجود در شهرهای مهم پاکستان تقدیر و سپاس بعمل آید چرا که این رایزنی ها و نقش سازنده آنان برای تحکیم روابط و گسترش زبان و ادبیات فارسی و اردو در سراسر دنیا بالخصوص پاکستان بسیار کلیدی و موثر بوده است. خانه فرهنگ ج.ا.ایران در لاهور در این زمینه کوشش فراوان نموده و توانسته با تامین منابع علمی و کتب مربوطه ، همیاری های فکری و شراکت در برپایی همایش ها و سمینار های علمی-ادبی کمک شایانی به مراکز دانشگاهی و دانش پژوهان و تشنگان ادب و فرهنگ گرانسنگ پارسی بنماید. در این مرکز آثار مهم و متعددی را از فارسی به اردو و یا از اردو به فارسی ترجمه می شود و نویسندگان فارسی و اردو را تشویق می نمایند تا آثار خود را چاپ کنند و در این زمینه کمک مالی هم می کنند.

علاوه بر این برگزاری برنامه های علمی و رقابتی چون " مسابقه مقاله نویسی" در میان دانشجویان و دانش پژوهان نمونه ای از اقدامات تشویقی همچنین خانه فرهنگ ایران در شهر لاهور برای تشویق دانشجویان به فراگیری زبان و ادبیات پارسی می باشد.

منابع:

- ##- آفتاب اصغر "تاریخ نویسی فارسی در هند و پاکستان" خانه فرهنگ ایران، لاهور، 1367ش
- ##- اعجاز احمد "فارسی گوینان ایران در شبه قاره "نگارش، لاهور، 2010م
- ##- اقبال " کلیات اقبال " غلام علی پرنترز، لاهور، 1972م
- ##- انوشه، حسن "دانشنامه ادب فارسی" ج: چهارم، انتشارات سازمان، تهران، 1375
- ##- بان گستاؤلی " تمدن هند " مترجم: سید علی بلگرامی، مقبول اکادمی، لاهور، 1962م
- ##- پیر آمیه " تارخی عیلامی " مترجم: شیرین بیانی، انتشارات دانشگاه تهران، 1349ش
- ##- تسبیحی، محمد حسین ' فارسی پاکستانی و مطالب پاکستان شناسی " ج: دوم، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد، 1397ش
- ##- توفیق هـ - سبحانی " نگاهی به تاریخ ادب فارسی در هند " شورای گسترش زبان و ادبیات فارسی، تهران، 1390ش
- ##- حکمت، علی اصغر " سرزمین هند " تهران، 1337ش
- ##- سرفراز ظفر " محسن تنوی می کشاده خانه حافظ" مجموعه مقالات سیمینار زبان و ادب فارسی در سند، به کوشش: محمد توسلی، خانه فرهنگ جمهوری اسلامی ایران و دانشگاه کراچی، 1386ش
- ##- صدیقی، ظهیر احمد " ایران و پاکستان دو کشور دوست و برادر " مجلس تحقیق و تالیف فارسی دانشگاه جی سی، لاهور، 2013م
- ##- صدیق خان شبلی، محمد " تاثیر زبان فارسی بر زبان اردو " مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام آباد، 1370ش
- ##- صفا، ذبیح الله " تاریخ ادبیات در ایران " تهران، 1372ش
- ##- فلیحه کاظمی " ضرب المثلهای مشترک " طیبہ پبلشرز، لاهور، 2009

##- همو " بازتاب عشق و دلدادگی در شاهنامه فردوسی " الاعتماد پرنٹرز، لاہور، 2013

##- عرش ملسیانی " امیر خسرو و عهد فن و شخصیت " لاہور، 1929

##- عظیم تتوی " فتح نامہ " بہ تصحیح: شیر محمد نظامانی، سندی ادبی بورڈ، حیدرآباد، 1967م

##- فرهنگ ارشاد "مهاجرت تاریخ ایرانیان به هند " موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ج: 1، تهران 1365ش

##- محسن ابوالقاسمی " تاریخ زبان فارسی " سازمان مطالعہ و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها، تهران 1373ش

##- مشکور، جواد " سوابق تاریخی ایران و پاکستان و ترکیہ " 15 سال ششم

##- مشایخ فریدنی، آرزومیدخت " خدمات بهمنیان به نشر فرهنگ و تمدن ایران در دکن " مجموعه سخنرانی ها، سیمینار پیوستگی های فرهنگی، ج: 1، اسلام آباد، 1373ش

##- نقوی، شہریار " ہمبستگی های دیرین ایران و پاکستان " بر رسیہای تاریخی، ش: 1، ج: 1374، 3ش